



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مداحان و شاعران اهل بیت - 5 / مرداد / 1384

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی استفاده کردیم. خیلی ممنون و متشکر از عزیزانی که این محفل را به ذکر نام مبارك فاطمه ی زهرا ( سلام الله علیها) منور و معطر کردند. شعر و اجرا و ادا و همه چیز بحمدالله امروز در بخش های مختلف این برنامه جمع بود.

يك نکته درباره ی مناسبتی که به خاطر سالروز ولادت بانوی دو جهان و سرور زنان اولین و آخرین در کشور ما مقرر شده، عرض کنیم؛ یعنی موضوع روز زن. روز زن، یعنی نگاه درست و مبتنی بر منطق به زنان، که نیمی از جمعیت بشر را تشکیل می دهند؛ آن هم نیمی که اگر نگاه کاوشگر انسان بخواهد نقش آن را با نقش های دیگر مقایسه کند، خواهد دید که نقش این نیم، حساس ترین، ظریف ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش ها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است. خدا زن را این گونه آفریده. اگر بنای آفرینش انسان و جهان را به دو بخش کارهای ظریف و ریزه کاری و بخش کارهای مستحکم - و به تعبیر سازندگان بناها، سفتکاری - بگذاریم، بخش اول که ظریف کاری ها و ریزه کاری ها و رشته رشته پروردن احساسات و عواطف بشر است، در اختیار زن است. گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است. هر جا سخن از تضعیف خانواده است، نقش این بخش مهم نادیده گرفته شده. هر جا سخن از بی اعتنائی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پُر مهر و محبت مادر است، این نقش نادیده گرفته شده. دنیای غرب این جرم بزرگ را دارد که این نقش را تضعیف کرده و در مواردی نادیده گرفته است. بخشی از بزرگی این گناه به این مربوط است که این حرکت فاجعه آمیز را با نام «حمایت از زن» انجام می دهد؛ در حالی که این حمایت از زن نیست؛ این خیانت به زن و خیانت به انسان است. نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع می شود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. مردی که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده، باز تحت تأثیر عطوفت و محبت و شیوه های خاص مادرانه ی مادر است. اگر زنان ما از لحاظ رتبه ی معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقاء دهند، این نقش با هیچ نقش دیگری، با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات فرهنگی و اخلاقی تا آخر قابل مقایسه نیست. يك وقت مادری از لحاظ معرفت سطح اش پایین است؛ البته این نمی تواند در دوران بزرگی اثرگذاری کند؛ این گناه کم بودن معلومات يك انسان است؛ این نقص تأثیر مادری نیست. مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی های اخلاقی يك قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می کند.

همه تحت تأثیر مادران هستند. آن که بهشتی می شود، پایه ی بهشتی شدنش از مادر است؛ که «الجنة تحت اقدام الأمهات». البته نقش زن به عنوان همسر هم داستان بسیار طولانی دیگری است. دنیایی که زن را از داخل خانواده جدا می کند و با وعده های توهم آمیز بیرون می کشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه ی جامعه، بی پناه و بی دفاع می کند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز می کند، هم زن را تضعیف می کند، هم خانواده را نابود می کند، هم نسل های آینده را به خطر می اندازد. هر تمدن و هر فرهنگی که این منطق را داشته باشد، دارد فاجعه ایجاد می کند؛ و این امروز در دنیا اتفاق افتاده است و روزبه روز هم دارد بیشتر می شود. و به شما عرض کنم؛ این از آن سیل های خطرناکی است که آثار تخریبی آن در بلندمدت ظاهر می شود و بنای تمدن غرب را در هم خواهد کوبید و فرو خواهد ریخت. در کوتاه مدت چیزی فهمیده نمی شود؛ اینها چیزهایی است که صد ساله و دویست ساله خودش را نشان می دهد؛ و نشانه های این بحران های اخلاقی در غرب الان دارد بروز می کند.

اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت های زن در داخل خانواده تکیه می کند، به هیچ وجه



به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت های عمومی مردم منع کند. عده بی بد و یا کج فهمیدند؛ یک عده ی مغرض هم از این کج فهمی استفاده کردند؛ کأته یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا باید در تلاش ها و فعالیت های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این طوری نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شؤون مختلف. زینب کبری نمونه ی دیگر است. زن های معروف صدر اسلام و زن های برجسته، نمونه های دیگرند؛ اینها در جامعه بودند و حضور داشتند. نفهمیدن مفهوم تکریم زن در اسلام، همراه شده است با بدآموزی های القاء شده ی به عنوان تکریم زن در تمدن غرب؛ اینها با هم آمیخته شده و یک جریان غلط ذهنی و فکری به وجود آورده. زن در داخل خانواده، عزیز و مکرم و محور مدیریت درونی خانواده است؛ شمع جمع افراد خانواده است؛ مایه ی انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده - که حوضچه ی آرامش زندگی پُرچالش و پُرتلاش هر انسانی است - به وجود زن آرام می گیرد و سکینه و اطمینان پیدا می کند. آن وقت نقش او به عنوان همسر، به عنوان مادر، به عنوان دختر خانواده، هر کدام یک فصل طولانی در تکریم دارد. بنابراین حقیقتاً باید در

زمینه ی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازگویی و بازبینی کرد. مطلب دیگر این است که ما این بزرگوار را با زبان های ناقص خودمان توصیف می کنیم. امروز هم شعرای عزیز ما همین مضمون را بارها تکرار کردند، که ما با این بیان ناقص و با این دید قاصر، فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) را توصیف می کنیم. این دید، ناظر به آن مقامات معنوی نیست. چون به آنها دسترسی نداریم، آنها را نمی فهمیم و درک نمی کنیم. گاهی تعبیراتی گفته می شود که خیلی هم دقیق نیست. مثلاً «عرش خدا زیر پای تو» یعنی چه؟ عرش خدا چیست؟ اینها خیلی روشن نیست؛ همین طور یک تعبیری است. چون می خواهند تکریم و تعظیم کنند، اما واقعیت مطلب در ذهن کوچک ما نمی گنجد، از چنین تعبیراتی استفاده می شود؛ گاهی خوب است، گاهی هم خوب نیست؛ گاهی درست است، گاهی هم درست نیست.

بخشی از قضیه برای ما قابل فهم است. من می خواهم روی نکته ی کوتاهی از این بخش تکیه کنم. می خواهم عرض کنم که ارزش فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) به عبودیت و بندگی خداست. اگر بندگی خدا در فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) نبود، او صدیقه ی کبری نبود. صدیق یعنی چه؟ صدیق کسی است که آنچه را می اندیشد و می گوید، صادقانه در عمل آن را نشان دهد. هرچه این صدق بیشتر باشد، ارزش انسان بیشتر است؛ می شود صدیق؛ «اولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین». «صدیقین» پشت سر «نبیین» اند. این بزرگوار صدیقه کبری است؛ یعنی برترین زن صدیق. این صدیق بودن به بندگی خداست. اگر بندگی خدا نمی کرد، صدیقه ی کبری نمی شد. اساس، بندگی خداست. نه فقط فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها)، بلکه پدر فاطمه هم - که مبدأ و سرچشمه ی فضائل همه ی معصومین اوست و امیرالمؤمنین و فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) قطره هایی هستند از دریای وجود پیغمبر - ارزشش پیش خدا به خاطر عبودیت است؛ «اشهد ان محمداً عبده و رسوله»؛ اول، عبودیت اوست؛ بعد رسالت او. اصلاً رسالت - این منصب والا - به او داده شد، به خاطر عبودیت؛ چون خدا صنیع دست و مخلوق خود را می شناسد. مگر در زیارت حضرت زهرا عرض نمی کنیم: «امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک»؟ در علم خدای متعال معلوم است که عمل من و شما چیست. ما در مقابل گناه و هوس و پول و نام نیک قرار می گیریم؛ آیا به خاطر به دست آوردن اینها حاضریم از شرف و ایمان و تکلیف خود و امر و نهی الهی درباره ی خود صرف نظر کنیم یا نه؟ این اختیار ماست. چه راهی را انتخاب خواهیم کرد؟ وقتی گفتن سخنی برای انسان ضرر مادی دارد، وقتی حرکتی هوس های گناه آلود انسان را برآورده می کند، ما سر دو راهی قرار می گیریم. کدام راه را انتخاب خواهیم کرد؟ راه هوس و گناه و پول را، یا راه پاکدامنی و تقوا و بندگی خدا را؛ یکی از این دو را انتخاب خواهیم کرد. انتخاب و اختیار ماست، اما خدای متعال می داند که ما چه راهی را اختیار خواهیم کرد؛ این در علم



الهی هست. اگر شما انسانی هستید که این قدرت در شما وجود دارد که در مقابل کوهی از ارزش های مادی و برآورنده ی هوس ها محکم بایستید و تکان نخورید، خداوند برای شما شایستگی هایی در نظر می گیرد. «و مریم ابنة عمران التي احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا»؛ خدای متعال بیهوده به مریم این قدر لطف نمی کند. این کلام قرآن است. او با همه ی وجود پاکدامنی خود را حفظ کرد، لذا شایسته ی این شد که مادر عیسی شود. حضرت یوسف در عین جمال و جوانی و برخورداری از عزت مادی در خانه ی عزیز مصر، روی هوس خود پا گذاشت؛ لذا شایسته ی مقام والایی شد که خدا به او داد؛ یعنی پیغمبری. خدا این را می داند که این بنده چنین جوهری دارد و این چنین اراده ی خود را صرف راه او خواهد کرد؛ لذا برای او مسؤولیت های بزرگ و سنگین دیگری - که هر کدام باز به نوبه ی خود اجرهای بزرگی دارد - در نظر می گیرد. «امتحنك الله الذی خلقك قبل ان یخلقك فوجدك لما امتحنك صابرة»؛ خدای متعال می داند که فاطمه ی زهرا در دوران زندگی چگونه انتخاب و اختیار خواهد کرد و چگونه قدم خواهد برداشت. عبودیت خدا معیار است. این شد برای ما خط روشن.

برادران و خواهران عزیز! من و شما باید دنبال عبودیت خدا باشیم. تمجید از فاطمه ی زهرا نتیجه اش باید این باشد. شما برادران عزیز مداح کسانی هستید که از زبان و حنجره ی شما امواج نورانی و معطر مدیحه ی دختر پیغمبر و ائمه ی هدی (علیهم السلام) ساطع می شود و در دل مخاطبانتان می نشیند؛ این خیلی ارزش است. الان بیست و چند سال است که ما این جلسه را با همین دوستان آقای سازگار و بقیه ی دوستان داریم؛ به نظرم از سال 62 و 63 این جلسه هر سال در چنین روزی برقرار است. من بارها این مطلب را به شما عرض کرده ام که رتبت مداحی و منبر مداحی یکی از باشرافت ترین رتبه ها و منبرهاست. در این زمینه ما خیلی صحبت کرده ایم، که دیگر نمی خواهیم تکرار کنیم. امروز هم بحمدالله اقبال مردم و جوان ها به نوای مداحان، اقبال خوبی است. می بینید مردم، استقبال می کنند، علاقه نشان می دهند، اجتماع می کنند، صحبت می کنند، پول می دهند؛ این يك موقعیت است. موقعیت وقتی حساس شد، وظیفه حساس و خطیر می شود. اول جلسه، قاری عزیزمان آیاتی را تلاوت کردند که خیلی مهم است و من چند آیه قبل از آن را عرض می کنم. «یا نساء النبی من یأت منکن بفاحشة مبینة یتضاعف لھا العذاب ضعفین» - خطاب به زنان پیغمبر است - هر که از شما گناه کند، عذابش دو برابر است. چرا؟ زن پیغمبر چون زن پیغمبر است، اگر گناه کرد، عذابش دو برابر است. «و کان ذلک علی اللّٰه یسیرا». «و من یقتئ منکن للّٰه و رسوله و تعمل صالحا نؤتھا اجرا مرتین»؛ آن طرف قضیه هم همین طور است: اگر عبادت کردید، اگر کار خوب کردید، اگر عمل صالح انجام دادید، دو برابر مردم دیگر به شما اجر می دهیم. یعنی نماز زن پیغمبر به طور معمولی دو برابر نماز دیگران اجر دارد؛ عبادتش دو برابر عبادت دیگران اجر دارد. اگر هم خدای نکرده غیبت کسی را بکنند، غیبتش دو برابر غیبت دیگران گناه دارد. بعد، آیه یی که این قاری خواندند، از این جا شروع می شود: «یا نساء النبی لستنّ کأحد من النساء ان اتقینن»؛ شما اگر تقوا پیشه کنید، مثل دیگر زنها نیستید؛ از بقیه ی زنها ی دیگر امتیاز دارید. آن وقت بعد دنباله اش می فرماید: «فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا». این، خطاب به زنها ی پیغمبر است. اما زنها ی پیغمبر خصوصیتی ندارند؛ خصوصیت زنها ی پیغمبر، انتصاب به پیغمبر است. من و شما هر کدام انتصاب بیشتر و موقعیت خطیر و ممتازی در جامعه داشته باشیم، همین خصوصیت در ما هم هست. البته نمی گویم دو برابر - این را ادعا نمی کنم - اما با دیگر مردم فرق داریم، و من از شما بیشتر. اگر ما خطایی انجام دهیم، خطای ما مثل خطای مردم عادی نیست؛ سنگین تر و سخت تر است. اگر ما خدای نکرده کسی را به وادی ضلالت و گمراهی انداختیم، با عمل مشابه دیگری تفاوت دارد. مداح ها بدانند چه می خوانند و چه می گویند. صدای خوش، آهنگ قشنگ، موقعیت ممتاز، تریبون خوب، اقبال فراوان؛ امروز هم که جوانها بحمدالله جامعه و کشور ما را با صفای دل خودشان مصفا کرده اند - این همه جوان در این کشور وجود دارد - همه متوجه شماست. شما چه می خواهید به مردم بدهید؟ این که من همیشه روی آنچه می خوانید و آن چنان که می خوانید -



در جلسه‌ی مداح‌ها و با افراد گوناگون - تأکید می‌کنم، به خاطر این حساسیت است.

چیز دیگری که بنده در بعضی از خوانندگان جلسات مداحی اطلاع پیدا کردم، استفاده‌ی از مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معناست، که گاهی هم مضر است. فرض کنید راجع به حضرت ابوالفضل (سلام الله علیه) صحبت می‌شود؛ بنا کنند از چشم و ابروی آن بزرگوار تعریف کردن؛ مثلاً قربون چشمت بشم! مگر چشم قشنگ در دنیا کم است؟ مگر ارزش ابوالفضل به چشمهای قشنگش بوده؟! اصلاً شما مگر ابوالفضل را دیده‌اید و می‌دانید چشمش چگونه بوده؟! اینها سطح معارف دینی ما را پایین می‌آورد. معارف شیعه در اوج اعتلاست. معارف شیعی ما معارفی است که یک فیلسوف در غرب پرورش یافته‌ی با مفاهیم غربی و بزرگ شده‌ی آشنای با معارف فلسفی غرب مثل هانری گربن را می‌آورد دو زانو جلوی علامه‌ی طباطبایی می‌نشانند؛ او را خاضع می‌کند و می‌شود مروج شیعه و معارف آن در اروپا. می‌شود معارف شیعه را در همه‌ی سطوح عرضه کرد؛ از سطوح ذهن متوسط و عامی بگیرد تا سطوح بالاترین فیلسوف‌ها. ما با این معارف نباید شوخی کنیم. ارزش ابوالفضل العباس به جهاد و فداکاری و اخلاص و معرفت او به امام زمانش است؛ به صبر و استقامت اوست؛ به آب نخوردن اوست در عین تشنگی و بر لب آب، بدون این که شرعاً و عرفاً هیچ مانعی وجود داشته باشد. ارزش شهدای کربلا به این است که از حریم حق در سخت‌ترین شرایطی که ممکن است انسان تصورش را بکند، دفاع کردند. انسان حاضر است در یک جنگ بزرگ و مغلوبه برود و احیاناً در حرارت جنگ گشته هم بشود - که البته مقام خیلی والایی است، همه هم حاضر نیستند، شهدا و مجاهدان فی سبیل الله معدودند؛ در زمان ما هم بحمدالله شهدای برجسته‌ی داشته‌ایم - اما شهید شدن این طوری در آن میدان جنگ، با شهید شدن در صحنه‌ی کربلا، با آن غربت، با آن فشار، با آن تشنگی، با آن تهدید به اذیت و آزار کسان انسان، خیلی تفاوت دارد. انسان خیلی اوقات می‌گوید من حاضر در این میدان جانم را بدهم؛ اما چه کار کنم، بچه‌ام دارد از گرسنگی یا از بی‌دارویی می‌میرد؛ این می‌شود یک بهانه برای انسان. انسان گاهی ملاحظه‌ی ناموس خودش را بیشتر از جانش می‌کند؛ ملاحظه‌ی بچه‌ی شیرخوارش را بیشتر از جانش می‌کند. انسان در این میدان برود، بچه‌ی شیرخوارش هم باشد، زنش هم باشد، مادرش هم باشد، ناموس اش هم باشد، همه‌ی اینها هم در معرض خطر قرار بگیرند و پایش نلرزد؛ ارزش ابوالفضل، ارزش حبیب بن مظاهر، ارزش جُون در اینهاست، نه در قد رشیدش یا بازوی پیچیده‌اش. قد رشید که خیلی در دنیا هست؛ ورزشکارهای زیبایی اندام که خیلی هستند؛ اینها که در معیار معنوی ارزش نیست. گاهی روی این تعبیرها تکیه هم می‌شود! حالا یک وقت شاعری در یک قصیده‌ی سی، چهل بیتی اشاره‌ی بی‌هم به جمال حضرت ابوالفضل می‌کند؛ آن یک حرفی است؛ ما نباید خیلی خشکی به خرج دهیم و سختگیری کنیم؛ اما این که ما همه‌اش بیاییم روی ابروی کمانی و بینی قلمی و چشم خمار این بزرگواران تکیه کنیم، این که مدح نشد؛ در مواردی ضرر هم دارد؛ در فضاهایی این کار خوب نیست.

نباید بگذارید منبر ده دقیقه‌ی بی یا بیست دقیقه‌ی بی شما از معارف خالی بماند. امسال دیدم بعضی از برادران مداح در ماه محرم و در دهه‌ی فاطمیه بحمدالله این نکته را رعایت کرده بودند. در منبر مداحی حتماً در اول، فصلی اختصاص بدهید به نصیحت یا بیان معارف به زبان زیبای شعر. اصلاً رسم مداحی از قدیم این طوری بوده است؛ الان یک مقدار آن رسم‌ها کم شده. مداح در اول منبر یک قصیده، یک ده بیت شعر - کمتر، بیشتر - فقط در نصیحت و اخلاق، با الفاظ زیبا خطاب به مردم بیان می‌کرد؛ مردم هم می‌فهمیدند و اثر هم می‌گذارد. من یک وقت گفتم که گاهی شعر یک مداح از یک منبر یک ساعتی ما اثرش بیشتر است. البته همیشگی نیست؛ گاهی است. اگر خوب انتخاب و اجرا شود، این طوری خواهد بود.

یک وقت یکی از برادران مداح می‌گفت ما اگر از شعرهای خوب و شعرای بزرگ شعری انتخاب کنیم، مردم نمی‌فهمند؛ بنابراین مجبوریم از این شعرها استفاده کنیم. این طوری نیست؛ من این را قبول ندارم. وقتی با زبان شعر با مردم حرف بزنید، هرچه شعر پیچیده هم باشد، وقتی مداح با هنر مداحی خود توانست این را کلمه کلمه به مردم





القاء و مخاطبه کند، در دل مردم اثر می گذارد. ما غزلیات زیادی داریم. شما به دیوان صائب نگاه کنید. من يك وقت چند بیت از این اشعار را تصادفی انتخاب کردم و به بعضی از برادرهای مداح گفتم روی اینها کار کنید. دیوان صائب غزلهای بسیار خوب و مفیدی دارد که در دلها اثر می گذارد. دیگران هم از این گونه اشعار دارند. بعضی از شعرا - که امروز هم بحمدالله در شعرها آمده بود - درباره ی عبادت و خضوع و جهاد و تضرع و انفاق و جهاد ائمه (علیهم السلام) بیانات خیلی خوب و زیبایی داشتند. شعر را از لحاظ هنری، سطح خوب انتخاب کنید؛ چون اثرگذار است. شعر خوب و شعر هنری، همان خاصیت عمومی هنر را دارد. خاصیت عمومی هنر این است که بدون این که خود گوینده حتی در خیلی از موارد توجه داشته باشد و غالباً بدون این که مستمع توجه داشته باشد، اثر می گذارد. تأثیر شعر، نقاشی، بقیه ی انواع هنر، صدای خوش و آهنگ های خوب - که اینها همه هنر است - روی ذهن مخاطب، من حیث لایشعر به وجود می آید؛ یعنی بدون این که مخاطب متوجه باشد، آن اثر را در او می بخشد؛ این بهترین نوع اثرگذاری است. شما ببینید خدای متعال برای بیان عالی ترین معارف، فصیح ترین بیان را انتخاب کرد؛ یعنی قرآن می شد خدای متعال مثل حرفهای معمولی، قرآن و معارف اسلامی را با بیان معمولی بگوید؛ اما نه، خدا این را در قالب فصیح ترین و زیباترین بیان هنری ریخته، که خود قرآن هم می گوید نمی توانید مثل لفظ و ساخت هنری آن را بیاورید؛ معنایش که معلوم است.

به خطبه های نهج البلاغه نگاه کنید؛ آیت زیبایی است. امیرالمؤمنین می شد معمولی حرف بزند؛ اما نه، از بیان هنری استفاده می کند؛ «و بعد فنحن امراء الکلام». خود این بزرگوارها گفته اند که ما امیران سخن ایم. واقعاً هم امیر سخن بوده اند. امیر سخن، یعنی بیان را به بهترین و شیواترین وجه انتخاب کنید؛ شعر خوب، شاعر خوب - که الحمدلله کم هم نداریم - مفاهیم خوب.

نکته ی آخر هم آهنگ است. من شنیده ام در مواردی از آهنگ های نامناسب استفاده می شود. مثلاً فلان خواننده ی طاغوتی یا غیرطاغوتی شعر عشقی چرندی را با آهنگی خوانده؛ حالا ما بیاییم در مجلس امام حسین و برای عشاق امام حسین، آیات والای معرفت را در این آهنگ بریزیم و بنا کنیم آن را خواندن؛ این خیلی بد است. خودتان آهنگ بسازید. این همه ذوق و این همه هنر وجود دارد. یقیناً در جمع علاقه مندان به این جریان کسانی هستند که می توانند آهنگ های خوب مخصوص مداحی بسازند؛ آهنگ عزا، آهنگ شادی.

این را هم عرض بکنم که آهنگ شادی از آهنگ عزا جداست. الان معمول شده که برای روزهای عید جلساتی تشکیل می دهند. بنده مخالف این کار نیستم؛ بد هم نیست که دست می زنند. البته اگر از رادیو بشنویم - که بنده خودم گاهی از رادیو شنیده ام - و شعر را درست گوش نکنیم، خیال می کنیم دارند سینه می زنند! هم لحن، سینه زنی است؛ هم آن دستی که می زنند، مثل زدن روی سینه است. این چه شادی یی شد؟! اگر برای روزهای شادی، آهنگ های مناسب - نه آهنگ های مبتذل، نه آهنگ های طاغوتی، نه آهنگ های حرام - و شیوه های خوب انتخاب کنند، مؤثرتر و بهتر است. این طور نباشد که چون به روضه خوانی عادت کرده ایم، روز شادی هم که می خواهیم حرف بزنیم، لحنمان بشود لحن روضه خوانی. قدیم ها می گفتند فلانی هرچه می خواند، مثنوی درمی آید؛ هر آهنگی را که شروع کند، مثنوی می شود! این طوری نباشد.

به هر حال میدان شما، میدان وسیعی است؛ میدان کار و اثرگذاری است. امروز مداحان جوان بحمدالله خیلی هستند؛ اقبال جوانها هم خیلی زیاد است. این مزرع، بسیار مستعد و قابل بذرافشانی است. اگر خوب بذرافشانی شود، تأثیرات و محصولش فوق العاده باارزش خواهد بود. از این فرصت استفاده کنید، استفاده کنیم، نظام اسلامی استفاده کند - شعر خوب، آهنگ خوب، مضمون خوب، اجرای خوب، صدای خوب - این يك چیز استثنایی و فوق العاده خواهد بود.

خداوند ان شاءالله به همه ی شما توفیق دهد. از برادرانی که تشریف آوردند، خیلی متشکریم؛ بخصوص آقایانی که



دفتر مقام معظم رهبری  
www.leader.ir

---

از راه های دور تشریف آوردند ؛ آقای مؤید، آقای کلامی، آقای اکبرزاده و بقیه ی دوستان.  
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته